



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 16 Issue: 40

Autumn 2025

Article Type: Research Article

Pages: 211-245

A Reflection on the Concept of the Right to Represent, with the Approach of Promotion of Theoretical Foundations, the Right to be Elected Members of the Assembly of Leadership Experts, in the Context of General Election Policies

Seyyed Hossein Malakooti Hashjin¹| Mohammad Mazhari²| Ali Akbar Terman³

1. Associate Professor, Department of Law, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author)

malakooti@tabrizu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Law, University of Tabriz, Iran

m.mazhari@tabrizu.ac.ir

3. Ph.D. Candidate in Public Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Iran

aliakbarterman@gmail.com

Abstract

The right to representation is a part of the individual right to vote and the most important fundamental right of the nation in managing affairs and exercising sovereignty. Its constitution has recognized the right of public participation in determining destiny and the right to choose people to represent the Assembly of Leadership Experts. Any eligible citizen can be a candidate for election. The most important task of the Assembly of Experts is to identify, determine, and introduce the leadership position. In implementing the principle of the rule of law, it has the authority to determine the conditions of election candidates. But these conditions cannot contradict the Constitution and the International Covenant on Civil and Political Rights. No one can be deprived of the right to be elected without a legal document and a valid reason. However, determining the quality conditions and verifying the qualifications of the candidates with a proof method leads to a different evaluation of the legal conditions and ambiguity in the citizens' right to choose. Limiting the rights of candidates in the main constitution is undeniable. Still, the question is what are the criteria for limiting the right to be elected and the way to promote worthy selection in the electoral system? This research was carried out based on legal capacity and investigated the problem descriptively. The findings show that the criteria for determining the conditions and qualifications of candidacy, along with the supremacy of the nation's rights and general election policies, are possible. The proposals presented regarding determining precise and conventional indicators of candidacy conditions, examining the qualifications and objections of candidates with the principles of legal proceedings, and the public accountability of the supervisory body can lead to the removal of ambiguity and the expansion of the rights of candidates and the development of public participation in elections.

Keywords: *Assembly of leadership experts, candidacy qualifications, Constraints on selectivity, general election policies, the right to self-determination, and the right to representation.*

Received: 2025/01/28

Received in revised form: 2025/11/11

Accepted: 2025/12/01

Published: 2025/12/11

DOI: 10.22034/LAW.2026.65120.3453

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





تأملی بر مفهوم حق نمایندگی با رویکرد ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای مجلس خبرگان رهبری در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات

سید حسین ملکوتی هشتجین^۱ | محمد مظهری^۲ | علی اکبر ترمان^۳

malakooti@tabrizu.ac.ir

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

m.mazhari@tabrizu.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه تبریز، ایران

aliakbarterman@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

چکیده

حق نمایندگی، بخشی از حق رأی سیاسی فردی و مهم‌ترین حقوق اساسی ملت در اداره امور و اعمال حاکمیت سیاسی است که قانون اساسی آن را تحت عنوان حق مشارکت عامه مردم بر تعیین سرنوشت خویش و حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری به رسمیت شناخته است و هر شهروندی حق دارد در انتخابات و در حیطه قانونی آن خود را نامزد نماید. مهم‌ترین وظیفه مجلس خبرگان رهبری، شناسایی، تعیین، معرفی و عزل مقام رهبری است. در اجرای اصل حاکمیت قانون، مقنن می‌تواند شرایط داوطلبان انتخابات را تعریف و تعیین کند، ولی این شرایط نمی‌تواند برخلاف اصول قانون اساسی باشد. نظارت بر شرایط قانونی با شورای نگهبان است و کسی را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد. بنابراین، وجود شرایط کلی در روش احراز صلاحیت‌ها، به نوعی ابهام در حق انتخاب‌پذیری، محدودیت نامتناسب بر حقوق انتخاب‌شوندگان و ارزیابی متفاوت با شرایط قانونی ایجاد می‌کند. پرسش اصلی این است که ملاک و معیار حق انتخاب شدن و مبانی محدودیت‌های ناشی از آن در نظام انتخاباتی مجلس خبرگان چیست؟ تدوین این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و موضوع با تکیه بر ظرفیت‌های قانون اساسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، بازتعریف و بیان حقیقی شرایط داوطلبی با تعیین شاخص‌های دقیق و لازم و اتخاذ روش عملی احراز صلاحیت نامزدی با تفوق حقوق ملت در اصول قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات امکان‌پذیر است. پیشنهادها ارائه شده در خصوص رسیدگی حقوقی بر صلاحیت، اعتراض نامزدها و پاسخگویی مسئولانه و عمومی می‌تواند به رفع ابهام از گستره حق انتخاب‌پذیران و توسعه مشارکت عمومی در انتخابات بینجامد.

واژگان کلیدی: احراز صلاحیت، حق تعیین سرنوشت، حق نمایندگی، سیاست‌های کلی انتخابات، مجلس خبرگان رهبری و محدودیت‌های انتخاب‌پذیری.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

DOI: 10.22034/LAW.2026.65120.3453



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

نظام مردم‌سالاری با حق مشارکت مردم بر تعیین سرنوشت خویش ملازمت دارد و از عرصه‌های مهم دخالت مردم در امور حاکمیتی، اعمال حق رأی فردی در انتخاب کردن و انتخاب شدن است. در واقع حق رأی مردم تنها منحصر به رأی دادن نیست، بلکه آنان حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی نظام سیاسی را هم دارند.^۱ حق نمایندگی از مهم‌ترین ساحت‌های مشارکت برای تصدی مسئولیت‌های آتی کشور است. از این رو، قانون اساسی در اصل پنجاه‌وششم، حاکمیت مردمی را حق قانونی همه افراد ملت شمرده و در اصل ششم نیز تشکیل هرگونه قدرت سیاسی را منوط به اتکای آرای عمومی از طریق انتخابات دانسته است. نظام سیاسی کشور یک نظام انتخابی و مبتنی بر اندیشه مردم‌سالاری دینی معرفی شده و اعمال حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش مورد پذیرش قرار گرفته است.^۲ طبق اصل سوم قانون اساسی، دولت مکلف است همه امکانات خود را برای تحقق مشارکت عامه مردم بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش به کار گیرد، بر همین اساس، اعتبار حقوقی - سیاسی دولت‌ها در چارچوب نظام نمایندگی تأمین و اعمال می‌شود.

حق نمایندگی مردم از اساسی‌ترین موازین حقوق بشری و بارزترین نماد حق تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی است.^۳ رویکرد نظام حقوقی^۴ ایران برخلاف اسناد حقوق بشری که مبنای حاکمیت را در اکثر زمینه‌ها بر رأی و نظر مردم قرار داده، در مواردی آن را با معیار موازین اسلامی تحدید نموده است تا مردم خیر عمومی را بر اساس اعتقادات خویش به شریعت اسلامی تعیین و حاکمیت موازین اسلامی را بر سرنوشت خویش برگزینند.^۵ حق نامزد شدن^۶ به نمایندگی مردم در مجلس خبرگان از بارزترین نماد حق مشارکت مردم در اداره شایسته امور و صیانت از

۱. ابوالفضل قاضی شریعت‌پناه، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: میزان، چ ۱۴، ۱۳۹۵)، ص ۵۹۷.

۲. محمد هاشمی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۲، (تهران: میزان، چ ۵، ۱۳۸۹)، ص ۵.

۳. بند ۸ اصل سوم قانون اساسی.

۴. نظام حقوقی بر پایه اصول قانون اساسی، گزاره‌های قانونی و رویه‌های اجرایی بنیان نهاده شده است، نک: حسین عالی‌پور، «نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، ش ۶۹ (۱۳۹۴)، ص ۶۳.

۵. علیرضا دبیرنیا و صائب دست‌پیمان، «شناسایی حق تعیین سرنوشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتوی نظریه قدرت مؤسس»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۷۰ (۱۴۰۰)، ص ۱۲۲.

6. The Right to be a Candidate.

اصول و مبانی ارزشی نظام مردم سالاری است، این حق قانونی در اختیار شهروندان قرار دارد تا در فرایند انتخابات آزاد و رقابتی به کار گیرند و هر فردی در حیطه قانونی از حق انتخاب شدن برخوردار است.^۷ اصل کرامت انسانی، برابری و تساوی همگان در برخورداری از حمایت قانون، بهره مندی از امکانات و مشاغل عمومی و حقوق سیاسی و انسانی به هر فرد واجدالشرايط این اجازه را می‌دهد که خود را نامزد انتخابات کند. مشارکت فعال مردمی و گروه‌های سیاسی در اداره امور عمومی موجب رضایت‌مندی افراد جامعه و از کم‌هزینه‌ترین روش‌های انتقال قدرت و چرخش نخبگان سیاسی به صورت آرام و مسالمت‌آمیز است.^۸

مجلس خبرگان رهبری یکی از نهادهای انتخابی، خودتنظیمی و مستقل^۹، و متشکل از فقهای است که وظیفه تشخیص و انتخاب فقیه واجدالشرايط را به عنوان رهبری نظام برعهده دارند. انتخاب مقام رهبری از سوی خبرگان منتخب مردم به شیوه مردم‌سالاری غیرمستقیم است. قانون اساسی اختیار انتخاب، نظارت و برکناری مقام رهبری (نظارت بر بقا و استمرار شرايط رهبری) را به خبرگان منتخب مردم داده و این نهاد مکلف است در صورت فوت، کناره‌گیری و عزل رهبری در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نماید.^{۱۰} قانون‌گذاری عادی در خصوص خبرگان رهبری با مجلس خبرگان بوده، نظارت بر انتخاب آنان با شورای نگهبان است. البته احراز صلاحیت داوطلبان خبرگان تنها با فقهای شورای نگهبان است^{۱۱} و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات صرفاً اختیار نظارت بر روند برگزاری و صحت انتخابات در سراسر کشور را دارد.^{۱۲} مجلس خبرگان در اجرای حاکمیت قانون می‌تواند شرايط داوطلبان را با رعایت حقوق اشخاص از حیث راهیابی افراد شایسته و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به سیمت نمایندگی مردم تعیین نماید.^{۱۳} این نوع شرايط فنی و قانونی نمی‌تواند مغایر با اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باشد.

۷. حسن خسروی، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، (تهران: مجد، چ ۳، ۱۴۰۰)، ص ۸۱.

۸. علی‌داری، *رفتار انتخاباتی در ایران*، (تهران: سروش، چ ۵، ۱۳۸۸)، ص ۲۶.

۹. علیرضا سایبانی و وحید جهانی میجانی، «بررسی جایگاه مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی»، *پژوهش ملی*، ش ۵ (۱۳۹۵)، ص ۶۵.

۱۰. اصول ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون اساسی.

۱۱. ماده ۱۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

۱۲. مواد ۵ و ۱۵ آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان.

۱۳. اصل ۱۰۸ قانون اساسی و بند ۱-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات.

حق انتخاب‌پذیری از حقوق شهروندی و دربرگیرنده حق اعمال حاکمیت بر تعیین سرنوشت خویش است که محروم کردن افراد از این حقوق سیاسی بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیست.^{۱۴} تعیین شرایط داوطلبی، احراز تأیید و عدم تأیید صلاحیت نامزدی مطابق قانون است و هیچ‌کس را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد.^{۱۵} اما روش اثباتی جنبه‌های رفتاری نامزدی با شرایط کیفی در برخی از بندهای ماده ۱۱ قانون انتخابات مجلس خبرگان از قبیل شرایط کلی اعتقادی و اهلیت اخلاقی موجب ایجاد موانع و محدودیت ناروا و ناموجه بر حق انتخاب‌پذیری شهروندان می‌شود. با اینکه تحدید حقوق داوطلبان در قانون اساسی قابل تصدیق است، ولی سؤال اساسی این است که مبانی محدودیت‌های حق انتخاب‌پذیری و راه‌حل ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن در نظام حقوقی انتخابات مجلس خبرگان چگونه است؟

نگارندگان این پژوهش با تمرکز بر ظرفیت حقوقی قانون اساسی، موضوع را به روش توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری کرده و مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، بازتعریف و بیان حقیقی معیار، ملاک و میزان رفتار انتخاب‌شوندگان و ارزیابی عملی و احراز واقعی صلاحیت نامزدی با تفوق حقوق ملت در اصول قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات امکان‌پذیر است. پیشنهاد شاخص‌های دقیق و متعارف برای تعیین شرایط داوطلبی، روش رسیدگی بر صلاحیت و اعتراض نامزدی با اصول حقوقی (آیین رسیدگی تخصصی) و پاسخگویی عمومی نهاد ناظر می‌تواند به رفع ابهام از گستره حق انتخاب‌شوندگان و نیز توسعه مشارکت همگانی و تقویت حق تعیین سرنوشت سیاسی بینجامد.

در خصوص حق نمایندگی با رویکرد ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای مجلس خبرگان رهبری پژوهشی انجام نشده است، ولی در برخی از کتب یا مقالات به بخشی از موضوع محرومیت از حق نامزدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره شده که اهم سوابق آن عبارت است از:

۱۴. علیرضا عنابی و فریور خلیلی شجاعی، «محدودیت‌های انتخاباتی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان»، *کانون وکلای دادگستری*، ش

۲۱ و ۲۲ (۱۳۹۰)، ص ۷۴.

۱۵. ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

الف) خیرالله پروین و مهدی نورایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظریه حقّ الناس در خصوص حقّ رأی و بررسی صلاحیت‌ها» آورده‌اند: حقّ الناس، گزاره دینی بسیار مهمی برای صیانت از حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در انتخابات است. حقّ نمایندگی در تعیین شرایط و تشخیص صلاحیت داوطلبی مطرح است و دو رویکرد نسبت به تأیید و ردّ صلاحیت‌ها وجود دارد که یکی توجه به ضرورت احراز صلاحیت و دیگری احراز عدم صلاحیت داوطلبی است. با توجه به لزوم تعهد و تخصص نمایندگی مردم، دیدگاه نخست ارجحیت دارد.

ب) محمدجواد رضائی‌زاده و محسن داوری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی» بیان داشته‌اند: حاکمیت صالحان و حقّ تعیین سرنوشت اجتماعی از مبانی و اصول قانونی است. حاکمیت قانون، مستند و مستدل بودن تصمیمات و آرای، عدم صلاحیت، لزوم احراز صلاحیت، لازم و کافی بودن ابزار عینی در احراز شرایط صوری، از اصولی هستند که باید در احراز صلاحیت نامزدها مدّ نظر ناظران باشند.

ج) اسدالله یآوری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر» گفته است: نظارت کارآمد بر صلاحیت‌ها عامل رقابتی شدن انتخابات و مانع ورود اشخاص فاقد شرایط قانونی به انتخابات است. شرایط اعتقادی به دلیل کلی و مبهم بودن، سبب جهت‌گیری سیاسی، مذهبی و شخصی شده، بهتر است از شرایط داوطلبی حذف گردد.

د) هادی طحان نظیف و سجاد قلیچ‌پور (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات» بیان کرده‌اند: نمایندگان مردم باید افراد متعهد و کارشناسان باتجربه باشند. سیاست‌های کلی انتخابات راهکار مناسبی برای ارتقای شایسته‌گزینی است و قانون‌گذار موظف به تعریف و احصای مصادیق شرایط سلبی و اصلاح شرایط ذهنی است. با اینکه نویسندگان مشکل اصلی انتخاب‌پذیران را شرایط کیفی تلقی کرده‌اند، اما به روش‌های مبهم احراز صلاحیت اشاره‌ای نکرده‌اند.

مطالعات و نقدهای انجام‌شده، بیشتر بر بحث تمایز ماهیت و تکلیف محوری حقّ رأی از

سایر نظام‌های حقوقی، احراز صلاحیت با شرایط کیفی^{۱۶} و حذف یا تعدیل کیفیت شرایط انتخاب‌پذیران^{۱۷} در انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره دارد، ولی در خصوص مبانی محدودیت و گستره حق انتخاب‌پذیری اعضای مجلس خبرگان رهبری در حقوق انتخاباتی مجلس خبرگان پژوهشی صورت نگرفته است. برخی از این دیدگاه‌ها به دلایل زیر مورد بحث واقع شده است: نخست، حق رأی که شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است، حق قانونی و اختیاری افراد به‌شمار می‌رود و هیچ اجبار قانونی هم بر آن مترتب نیست. دوم، حذف یا نادیده گرفتن شرایط اعتقادی و اهلیت اخلاقی داوطلبان مجلس خبرگان رهبری با مبانی حاکمیت مردم‌سالاری دینی نامأنوس است و وجهت قانونی آن جای بسی اشکال خواهد بود. بحث اصلی در انتخابات مجلس خبرگان می‌تواند وجود برخی محدودیت‌های ناروا و ناموجه (خارج از تحدید قانون اساسی) در حق انتخاب‌پذیری شهروندان باشد که مهم‌ترین موارد آن عبارت است از: نبود تعاریف و بیان حقیقی از معیار و ملاک شرایط داوطلبی (میزان واقعی رفتار فردی) و فقدان آیین رسیدگی تخصصی (اصول و قواعد روش ارزیابی عملی احراز صلاحیت‌ها «تأیید و رد» و رسیدگی به اتهامات انتسابی و اعتراضات نامزدها) است. برخی نویسندگان در مقالات خود اشاره کرده‌اند^{۱۸}، قانون‌گذار (مجلس خبرگان) بر اساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی و بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات می‌تواند معیار و شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی و اصول رسیدگی بر شرایط قانونی نامزدها را تعریف و به‌صورت شفاف، کمی و عینی معین نماید تا از تفاوت برداشت‌های حقوقی از شرایط نامزدی و ابهام در روش احراز صلاحیت داوطلبان کاسته شود.

نگارندگان این تحقیق با نگاهی نو به مسئله، به‌جای طرح مناقشه نوع نظارت (استصوابی) و برخی شرایط ایجابی اعتقادی، تلاش کرده‌اند مسائل و موانع انتخاب‌پذیران در بخش تعیین و تشخیص شرایط داوطلبی را با تکیه بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات به‌صورت کامل

۱۶. محمدجواد رضائی‌زاده و محسن داوری، «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی»، دانش حقوق عمومی، ش ۱۴ (۱۳۹۵)، ص ۱۱۷.

۱۷. اسداله یآوری، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، تحقیقات حقوقی، ش ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۳۴.

۱۸. هادی طحان نظیف و سجاد قلیچ‌پور، «آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات»، دانش حقوق عمومی، ش ۳۱ (۱۴۰۰)، ص ۱۹.

بررسی نموده، سپس شیوه‌های ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای مجلس خبرگان را ارائه کنند. از این رو، پس از مروری بر تبیین مفهومی حق رأی، حق انتخاب‌پذیری، انتخاب‌ناپذیری و نظارت بر صلاحیت داوطلبان خبرگان، به مطالعه و بررسی نظام تقنینی و رویه‌های نظارتی در تعیین، تطبیق و تشخیص شرایط داوطلبان، مبانی حق انتخاب شدن و محرومیت از نمایندگی مردم و احراز صلاحیت نامزدی پرداخته‌اند.

۱. تبیین مفهومی حق نمایندگی مردم، حق انتخاب‌پذیری، انتخاب‌ناپذیری و نظارت بر صلاحیت داوطلبان

حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش، از طریق اعمال حق رأی فردی، حضور رأی دهندگان و انتخاب‌شوندگان در انتخابات آزاد و رقابتی امکان‌پذیر است و به این ترتیب در سایه نظام نمایندگی، حکومت از مشروعیت و مقبولیت عمومی برخوردار خواهد شد.^{۱۹} گزینش نمایندگان مجلس خبرگان به صورت همگانی، مستقیم، مخفی و با اکثریت نسبی آرای شرکت کنندگان انجام می‌شود^{۲۰} و این نوع گزینش تصویر صادقی از گرایش و تمایلات شهروندان است که از برخی شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور نشئت می‌گیرد. معمولاً نامزدهای خبرگان از طریق احزاب سیاسی یا مستقل وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی می‌شوند و هر شهروند واجدالشرایط حق دارد به صورت انفرادی یا گروهی در رقابت‌های انتخابات مجلس خبرگان شرکت کند. رقابت در چارچوب قانون برای خدمتگزاری، مثبت ارزیابی می‌شود و نمایانگر مطالبات واقعی مردم است؛ انتخابات غیررقابتی نوعی محدودیت بر گزینش و مشارکت افراد در انتخابات و فقدان رقابت‌های منصفانه است.^{۲۱} در خصوص رقابتی بودن انتخابات خبرگان، قانون قبلی ساکت بود، اما تبصره ۴ ماده ۴ قانون تازه تصویب در خصوص رقابتی شدن انتخابات مجلس خبرگان چنین بیان می‌دارد، چنانچه نامزدهای حوزه انتخابیه از تعداد کرسی‌های خبرگان کمتر باشند، انتخابات در آن حوزه پس از ایجاد شرایط رقابتی برگزار می‌شود. تمامی انتخابات در

۱۹. گای اس گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، ترجمه قاسم زمانی و جمال سیفی، (تهران: دانش، چ ۱، ۱۳۷۹)، ص ۱۱.

۲۰. مواد ۴ و ۵ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

۲۱. حسن خسروی، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، (تهران: مجد، چ ۳، ۱۴۰۰)، ص ۱۵۱.

سطوح مختلف منطقه‌ای و ملی رقابتی هستند، تعداد کاندیداها باید حداقل دو برابر تعداد منتخبان موردنیاز باشد^{۲۲}، ولی انتخابات مجلس خبرگان علی‌رغم اصلاحات قانون جدید، بازهم انتخابات رقابتی به آن معنا که در مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری مطرح است، نیست.

گرچه ماهیت حق رأی فردی به حق تکلیف و حکمی تقسیم می‌شود، اما نظام حقوقی انتخابات که حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی در تمام انتخابات سیاسی^{۲۳} را به حقوق شهروندی اختصاص و در اختیار مردم قرار داده، از حقوق بشر جهان‌شمولی برخوردار است و مشروط و مقید به جامعه خاصی نیست^{۲۴}. با اینکه ماهیت حق نمایندگی مورد مناقشه قرار گرفته، ولی نظام حقوقی بر اساس واقعیت و سازوکارهای اجتماعی و سیاسی برای این حق، ویژگی‌هایی مانند همگانی بودن و برابری قرار داده است^{۲۵}. برداشت کلی از حق نمایندگی در هر دو حوزه حقوق داخلی و خارجی همان حق انتخاب شدن شهروند به مناصب انتخابی نظام سیاسی است. حق انتخاب شدن ابزاری نوین در دست شهروندان برای اعمال حاکمیت بر تعیین سرنوشت خویش و نظام نمایندگی است که هدف اصلی آن، تأمین امنیت و تکریم هویت انسانی به‌همراه آزادی فردی و برابری است.

۱.۱. حق رأی فردی

واژه حق، از اصطلاح حقوقی انگلیسی گرفته شده است و رأی یک عمل تشریفاتی و حقوقی به حساب می‌آید که شهروند با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان خود می‌پردازد^{۲۶}. رأی دادن وسیلهٔ ابراز ارادهٔ شهروندان برای شکل‌گیری نهادهای سیاسی و مدنی و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است، اما ارادهٔ شهروند تنها منحصر به حق انتخاب کردن نیست، او حق انتخاب شدن هم دارد. حق انتخاب‌پذیری نماد حق حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش است که از حقوق ذاتی و طبیعی انسان‌ها شمرده شده، در دو بُعد

۲۲. ماده واحد قانون تثبیت تعداد کاندیداها در انتخابات، ۱۳۷۰، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۳. انتخابات سیاسی شامل انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی است.

۲۴. ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۲۵. بیژن عباسی، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۰)، ص ۱۸۷.

۲۶. ابوالفضل قاضی شریعت‌پناه، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: میزان، ج ۱۴، ۱۳۹۵)، ص ۵۸۲.

داخلی و خارجی متجلی می‌گردد. بُعد داخلی آن بسیار حائز اهمیت است و معیاری برای نظام مردم‌سالاری در اداره امور کشور و اعمال حق حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش است که جز از طریق نمایندگان منتخب مردم ممکن نیست.^{۲۷}

اعطای حق رأی سیاسی در ایران به زمان مشروطه برمی‌گردد که با محدودیت‌های خاصی دایر شده است.^{۲۸} پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشارکت همگانی در حاکمیت، مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته و استمرار نظام جمهوری اسلامی را به آرای عمومی منوط کرده است که مشارکت در انتخابات برای مکلفان یک تکلیف شرعی تلقی می‌شود^{۲۹} و نخستین مجلس جمهوری اسلامی به نام مجلس خبرگان قانون اساسی برای بررسی نهایی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ با رأی مردم تشکیل شد. حق نمایندگی مردم در مجلس خبرگان ابزاری کارآمد برای اعمال حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش است، این حق در قانون اساسی ریشه در کرامت ذاتی و شرافت انسانی دارد و به‌عنوان حق‌الناس نیازمند حمایت دولتی و نظارت شفاف و عادلانه است.

۲.۱. حق انتخاب‌پذیری

انتخاب‌پذیری^{۳۰} وضعیت حقوقی کسانی است که واجد شرایط قانونی برای داوطلبی در انتخابات خبرگان هستند و می‌توانند خود را در معرض انتخاب شدن قرار دهند. حق انتخاب‌پذیری در اجتماع، فرصت برخوردار بودن فرد از حق انتخاب شدن است که فلسفه مردم‌سالاری و اصل برابری افراد در برابر قانون را ایجاب می‌کند. هر شهروندی باید در چارچوب قانون بتواند انتخاب‌شونده هم باشد، ولی قانون‌گذار به سبب مسئولیت خطیر نمایندگی مردم در تعیین شرایط داوطلبی در مقایسه با رأی‌دهندگان، سخت‌گیرانه‌تر عمل می‌کند.^{۳۱} حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی نظام در اصول متعدد قانون اساسی مانند انتخاب شدن به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری پذیرفته شده و کیفیت انتخاب و تعیین شرایط

۲۷. بیژن عباسی، پیشین، ص ۳۷۸.

۲۸. علی دارابی، رفتار انتخاباتی در ایران، (تهران: سروش، چ ۵، ۱۳۸۸)، ص ۳۱.

۲۹. روح‌الله موسوی خمینی، انتخابات در اندیشه امام خمینی، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چ ۸، ۱۳۹۴)، ص ۷۰.

30. Eligibility.

۳۱. جواد تقی‌زاده، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، حقوق اساسی، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۵۸.

نمایندگی مجلس خبرگان با رعایت سایر اصول قانون اساسی به خود مجلس خبرگان واگذار گردیده است.

حق انتخاب شدن در واقع یک اصل حقوقی است، ولی مطلق و بی‌قید و شرط نیست و تحدید معقول حقوق داوطلبان در نص ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اصول قانون اساسی پذیرفته شده است. این نوع محدودیت‌ها تحت شرایط ایجابی و سلبی برای داوطلبان برقرار می‌شود. از مهم‌ترین موارد محدودیت حق انتخاب‌پذیری شهروندان در انتخابات مجلس خبرگان، می‌توان به عدم اعتقاد به مبانی نظام (جمهوریت و اسلامیت)، پایبند نبودن به قانون اساسی، عدم ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه، فقدان اهلیت اخلاقی، نداشتن سلامت مالی، و محکومان و محرومان از حقوق اجتماعی به حکم قانون، اشاره کرد. شرایط محدودکننده نوعاً برای جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به مناصب انتخاباتی نظام است که ناشی از اصل حاکمیت قانون است و محدودیت ناموجه محسوب نمی‌شود. این شرایط نمی‌تواند نامتعارف و مغایر با حقوق ملت در اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات و معیارهای پذیرفته‌شده حقوق بشری دولت ایران باشد.^{۳۳} قانون‌گذار برای ارتقای شایسته‌گزینی، انتخاب داوطلبان شایسته‌تر از جمهوری اسلامی و تأمین حقوق داوطلبان، می‌تواند معیار و شاخص‌های شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبی را در چارچوب قانون اساسی به صورت کمی، دقیق و قابل ارزیابی و عملیاتی تعریف و تعیین کند^{۳۳} تا حقی از کسی پایمال نشده، به رفع ابهام و گستره دامنه حق انتخاب‌پذیران و توسعه مشارکت عمومی بینجامد.

۳.۱. انتخاب‌ناپذیری

انتخاب‌ناپذیری^{۳۴} عبارت است از وضعیت محرومیت از حق انتخاب شدن؛ یعنی کسانی صلاحیت لازم برای نامزد شدن را ندارند. شرایط سلبی داوطلبی در قانون انتخابات خبرگان به صورت صریح بیان نشده است، ولی در صورت فقدان هر یک از شرایط ایجابی ماده ۱۱ قانون

۳۲. محمد قاری سید فاطمی، «حق تعیین سرنوشت و مساله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی»، مدرس، علوم

انسانی، ش ۴ (۱۳۸۲)، ص ۱۲۶.

۳۳. بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات.

انتخابات، مانند نداشتن عدالت، اشتهار به دیانت، تعهد به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و عدم التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه می تواند در اکثر موارد فرد را انتخاب ناپذیر مطلق نماید. انتخاب ناپذیری مطلق به دلایل شخصی است که فرد نمی تواند در هیچ یک از حوزه های انتخابیه تحت هیچ شرایطی داوطلب شود^{۳۵}؛ و انتخاب ناپذیری نسبی مانند محکومان قطعی کیفری در جرایم عمدی است که فرد را از حقوق اجتماعی محروم می کند و این نوع محرومیت شامل داوطلبان مجلس خبرگان هم می شود^{۳۶}.

۴.۱. نظارت بر صلاحیت داوطلبان خبرگان

در نظام هایی که انتخابات از راه احزاب و تشکل های سیاسی انجام می گیرد، به بررسی صلاحیت نامزدی از سوی نهاد ناظر انتخابات نیازی نیست و وظیفه آنان منحصرأ رسیدگی به شکایات و اعتراضات انتخاباتی است^{۳۷}. اما چنین سازوکاری در نظام انتخاباتی کشور ما وجود ندارد و افراد با هر شرایطی در انتخابات خبرگان بدون واسطه احزاب و به طور مستقیم ثبت نام کرده، وارد رقابت های انتخاباتی می شوند. نهاد ناظر هم در تمامی مراحل انتخابات به طور عام ورود پیدا می کند. تضادهای موجود در سیاست اداره کشور موجب مسائلی در امور حاکمیتی می شود که فراتر از مخالفت های سیاسی با برخوردهای جناحی و شخصی است. در این بین، امر نظارت بر شرایط قانونی داوطلبان گروه های خاص، از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود تا حذف رقبای سیاسی در انتخابات، مشکل مضاعفی ایجاد نکند^{۳۸}.

اصل نظارت بر روند انتخابات و تشخیص واجدین صلاحیت نامزدی به منظور جلوگیری از تخلفات و صیانت از آرای مردم و حقوق اشخاص یک امر مسلم و ضروری است^{۳۹}، اما آنچه موجب بحث اصلی در نظارت بر صلاحیت داوطلبان می شود عبارت است از: نبود ملاک و معیار

۳۵. جواد تقی زاده، «انتخاب ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه»،

پژوهش های حقوق تطبیقی، ش ۴ (۱۳۸۸)، ص ۷۴.

۳۶. از مصادیق مجازات تبعی در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲.

۳۷. ابوالفضل قاضی شریعت پناه، پیشین، ص ۶۰۸.

۳۸. حسن خسروی و ایرج حسینی صدرآبادی، «نظارت کارآمد بر انتخابات»، حقوق اداری، ش ۱۳ (۱۳۹۶)، ص ۸۴.

۳۹. علی اکبر جعفری ندوشن، بررسی تطبیقی کار ویژه های شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

(۱۳۸۵)، ص ۱۲۰.

حقیقی و شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی و روش ارزیابی عملیاتی جنبه‌های رفتاری فردی با برخی شرایط داوطلبی در قانون انتخابات، به طوری که روش اثباتی شرایط کلی و نحوه انتساب اتهام، صدور آرا و احکام را ابهام‌آمیز نموده است.^{۴۰} نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس خبرگان مطابق قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی است.^{۴۱} فقهای شورای نگهبان پس از دریافت مدارک، رسیدگی لازم را برای احراز صلاحیت داوطلبان معمول می‌دارند و نظر خود را طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان از طریق هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات به ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام می‌کنند. به‌رغم پذیرش اصل نظارت بر مراحل انتخابات، چالش‌های سیاسی-حقوقی به‌ویژه در خصوص نظارت بر صلاحیت داوطلبان در انتخابات مستولی گشته که بیشتر انتقادات به سمت مرجع ناظر و نوع ارزیابی صلاحیت داوطلبان است.^{۴۲}

طبق تبصره نخست ماده ۱۱ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، تشخیص همه شرایط نامزدی و احراز اجتهاد تمام نامزدهای خبرگان به‌غیر از کسانی که مقام معظم رهبری به‌صورت صریح یا ضمنی اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، برعهده فقهای شورای نگهبان است. انتخاب مرجع و منبع کسب اطلاعات و مدارک لازم از وضعیت داوطلب برای بررسی شرایط قانونی و نحوه احراز صلاحیت نامزدها از طریق مراجع رسمی و یا تحقیقات محلی، با شورای نگهبان است.^{۴۳} این شورا بارها اعلام نموده است که به سبب وجود شرایط اثباتی در قانون انتخابات به طریقی تلاش می‌کند تا به این درک برسد که نامزد چنین شرایطی دارد یا خیر؛ یعنی یقین حاصل نماید که فرد دارای شرایط قانونی است. این طرز عمل نهاد نظارتی در تحصیل دلیل از طریق تحقیقات محلی و اصل احتیاط که مستند رد یا عدم احراز صلاحیت نامزدها قرار می‌گیرد مورد بحث واقع شده است.

در خصوص منابع تحقیق درباره سابقه و رفتار نامزد انتخاباتی دو نظر کلی مطرح است؛ برخی

۴۰. محمد هاشمی و اعظم عدالت‌جو، «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱۱ (۱۳۹۰)، ص ۲۲۳.

۴۱. تبصره یک ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان ۱۳۹۹.

۴۲. اسداله یآوری، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، تحقیقات حقوقی، ش ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۱۳.

۴۳. محمد مؤمن، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان»، گفت‌وگو، حکومت اسلامی، ش ۸ (۱۳۷۷)، ص ۱۴۳-۱۴۴.

تنها منابع تحقیق را منحصر به مراجع رسمی دانسته، می‌گویند تحقیقات محلی فاقد وجاهت قانونی است. برخی نیز معتقدند اگر مراجع قانونی به هر دلیلی پاسخ کافی و مناسبی در مورد شرایط قانونی داوطلبان ارائه نکنند، نهاد ناظر می‌تواند از منابع دیگری درباره سوابق و رفتار نامزدها تحقیق نماید.^{۴۴} با توجه به اینکه محروم کردن افراد از حقوق اساسی مستلزم ترتیبات احکام قانون است و از طرفی اصل حاکمیت قانون و پاسخگویی مبنای ارزیابی و قضاوت ناظران در خصوص احراز صلاحیت نامزدی خواهد بود، بنابراین، قانون‌گذار می‌تواند به علت فقدان آیین رسیدگی خاص و با تمسک به بندهای ۳-۱۰ و ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات، نوع عملکرد نهاد نظارتی را با تصویب آیین رسیدگی تخصصی برای احراز عملی صلاحیت‌ها و رفع ابهام از حق انتخاب‌شوندگان معین کند تا بررسی دقیق، شفاف، مستند، مستدل و پاسخگویی مسئولانه به اعتراضات و اختلافات صورت گیرد.

رسیدگی به شکایت و اعتراض داوطلبان به تصمیمات هیئت‌های اجرایی، نظارتی و روند برگزاری انتخابات با شورای نگهبان است. بر اساس نظریه تفسیری به شماره ۱۳۳۴ مورخ اول خرداد ۱۳۷۰ شورای نگهبان، نظارت شورا عام بوده، شامل همه مراحل انتخابات اعم از اجرایی، تشخیص صلاحیت داوطلبی و صحت انتخابات می‌شود و نظارت شورای نگهبان بر انتخابات خبرگان اطلاق ندارد و فقط شامل مرحله اجرا و صحت انتخابات است. تأیید صلاحیت داوطلبان خبرگان طبق قانون انتخابات تنها برعهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات نسبت به جمع‌آوری اخبار و اطلاعات (تحقیقات محلی) در تحصیل دلیل از طریق سوابق داوطلبان اقدام می‌کند.^{۴۵} اعتبار و ادله قانونی چنین گزارش و مدارکی که مستند دلیل رد صلاحیت افراد می‌شود در قانون انتخابات بیان نشده است و نهاد ناظر با این توجیه که منابع رسمی استعلام توانایی یا اختیار لازم برای بررسی همه‌جانبه سوابق داوطلبان در بندهایی از شرایط قانون را ندارند، اقدام به تحقیق محلی می‌کند.^{۴۶} در هر صورت، نهاد ناظر نیازمند برخورداری از چنین اختیارات قانونی و سازوکار حقوقی است.

۴۴. احمد جنتی، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان»، گفت‌وگو، حکومت اسلامی، ش ۸ (۱۳۷۷)، ص ۱۵۵.

۴۵. محمد مؤمن، پیشین، ص ۱۴۳.

۴۶. احمد جنتی، پیشین، ص ۱۵۵.

برخی از شرایط داوطلبی، کمی و قابل ارزیابی عملیاتی^{۴۷} است، مانند اجتهاد تجزی و سوابق سوء امنیتی و کیفری که با استعلام از مراجع قانونی ممکن است. اما بعضی از این شروط کیفی است، مانند عدالت، اشتها به دیانت و وثوق، اعتقاد به مبانی نظام و اهلیت اخلاقی که احراز واقعی اینها به سبب نوع شرایط کیفی و فقدان قابلیت ارزیابی عملی دشوار است و امکان اعمال سلیقه شخصی و تضعیف حقوق افراد متصور است.^{۴۸} مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۱۴۰۲ و ماده واحده موضوع تبصره یک ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۹ تیر ۱۳۷۰، نهاد ناظر (شورای نگهبان) در مقام رسیدگی بر صلاحیت داوطلبان نسبت به ارزیابی وجود یا نبود شرایط قانونی اقدام می کند تا نظر خود را به صورت تأیید یا عدم تأیید صلاحیت افراد اعلام نماید. برداشت کلی از قانون در خصوص احراز صلاحیت داوطلبی عبارت است از:

الف) احراز تأیید صلاحیت؛ یعنی تأیید افراد برای داوطلبی نمایندگی مردم.

ب) احراز عدم تأیید صلاحیت؛ یعنی فرد نمی تواند نامزد انتخاباتی شود و از داوطلبی نمایندگی مردم در خبرگان محروم است. اما عدم احراز صلاحیت داوطلبی، روش سومی است که از روی مصلحت و برای اطمینان (سیاست پیشگیرانه) از ورود افراد فاقد شرایط احتمالی به مجلس خبرگان انجام می شود، فرد را از حق انتخاب شدن محروم و از رقابت های انتخاباتی باز می دارد.^{۴۹} در واقع، وضعیت حقوقی رد و تأیید صلاحیت افراد مشخص است، اما عدم احراز صلاحیت مبهم می باشد.

شورای نگهبان در بررسی صلاحیت افراد بر احراز شرایط قانونی داوطلبان تأکید دارد تا ناظران شرایط ایجابی را احراز کرده یا فرد ادعای خود را ثابت نماید و محملی برای اعمال اصل برائت یا اصالت الصحه در تشخیص صلاحیت نامزدها روا نمی دارد.^{۵۰} عدم توانایی ناظران در احراز شرایط نامزدی دلیلی بر نداشتن صلاحیت قانونی افراد نیست. نقدهایی بر آن وارد شده که مغایر

۴۷. شرایط کمی، دارای شاخص های ارزیابی عملی و عینی است؛ ولی شرایط کیفی، تفسیربردار و ارزیابی آنها دشوار است. اگر شرایط نامزدی به نحوی روشن، شفاف و کمی باشد، نهاد ناظر در مقام بررسی دچار برداشت ها و سلیقه های گوناگون نمی شود.

۴۸. جواد تقی زاده، «شرایط خاص انتخاب پذیری در انتخابات سیاسی»، *حقوق اساسی*، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۷۹.

۴۹. علی اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۲۴.

۵۰. سید احمد مرتضایی، «پاسخ به شبهات (نظارت استصوابی) با رویکرد فقهی»، *حکومت اسلامی*، ش ۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۴۳.

با اصل صحت است و این اصل از اصول شرعی، عرفی و حقوقی حاکم بر حقوق افراد و اجتماع می‌باشد.^{۵۱} شورای نگهبان در احراز عدم صلاحیت افراد بر اصل احتیاط تکیه می‌کند و تحقیق و تفحص را منافی با این اصل نمی‌داند.^{۵۲} نتیجه عدم احراز صلاحیت به مثابه نتیجه احراز عدم صلاحیت است و فرد را از رقابت‌های انتخاباتی باز می‌دارد. بر اساس بند ۳-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها در چارچوب قانون است و بررسی شرایط قانونی باید به صورت دقیق، به موقع، همراه با پاسخگویی مسئولانه و مطابق با اسناد و مدارک مراجع ذی‌صلاح انجام پذیرد؛ بنابراین در صورت نبود دلیل معتبر بر عدم صلاحیت فرد، اصل صحت می‌تواند ارزیابی شرایط کیفی را محدود و حمایت از حقوق داوطلبی را در برابر اتهامات وارده تضمین نماید.^{۵۳} به طور کلی، احراز شرایط کیفی با جنبه‌های رفتاری نامزدی موجب ابهام در حق انتخاب‌پذیری شهروندان است؛ حق استماع و دفاع متناسب از اتهامات وارده، از اصول رسیدگی حقوقی و قضاوت عادلانه است و قانون‌گذار در راستای تأمین حقوق داوطلبان و جلوگیری از ارزیابی متفاوت می‌تواند نسبت به تعریف و تعیین ملاک و معیارهای روشن، عینی، شفاف و کمی شرایط داوطلبی و روش رسیدگی بر صلاحیت نامزدی اقدام کند.

نظارت بر روند برگزاری انتخابات و احراز صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان، نظارتی عام و مطلق است و قوه قضاییه دخالتی در این‌گونه قضایا ندارد.^{۵۴} از آنجا که ارتکاب تخلفات و جرایم در مواردی ممکن است در نتیجه برگزاری انتخابات و تأمین حقوق داوطلبان مؤثر باشد، مقنن مرجع رسیدگی بر تخلفات و شکایات در قوانین انتخاباتی را غیر از ناظران انتخابات تعیین نکرده است و شورای نگهبان یگانه مرجع رسیدگی بر شکایات و اعتراضات تلقی می‌شود. شورا نیز در بررسی مصوبات مجلس، خود را مرجع رسیدگی بر شکایات انتخاباتی می‌داند. برخی هم معتقدند اگر رسیدگی به شکایات انتخاباتی به نهادهای دیگری همچون قوه قضاییه واگذار شود، اصل

۵۱. احمد گل‌محمدی و نصیر عبادپور، «صلاحیت و انتخابات؛ دشواری‌های نهادینه‌شدن «کسب قدرت سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران»، دولت‌پژوهی، ش ۲۶ (۱۴۰۰)، ص ۱۰۸.

۵۲. صادق آملی لاریجانی، «شورای نگهبان از منظر فلسفه سیاسی»، فصلنامه بازتاب اندیشه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ش ۴۴ (۱۳۸۲)، ص ۲.

۵۳. علی ولایی و رحیم نوبهار، «جایگاه اصل صحت در ارزیابی صلاحیت داوطلبان انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۳۰ (۱۴۰۲)، ص ۲۷۶.

۵۴. علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۲۲.



استقلال شورا نقض می‌گردد.^{۵۵} در این خصوص مقام رهبری می‌تواند بر اساس اصول ۴، ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی نسبت به موارد تصریح‌شده یا نشده از طریق ارشاد، فرامین یا سیاست‌های کلی برای تأمین حقوق افراد ورود نماید.^{۵۶} همچنین مجلس خبرگان قادر است مطابق اصل ۱۰۸ قانون اساسی و بند ۲-۱۰ و ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات، مقرراتی از قبیل تعیین دو مرحله‌ای رسیدگی‌ها، حضور اشخاص یا وکیل آنان در مراحل رسیدگی، بررسی دقیق‌تر صلاحیت نامزدی، پاسخگویی عمومی نهاد ناظر و مراجع استعلام و اعلام دلایل اتهامی و مستندات مربوط به رد صلاحیت افراد (تجدیدنظرخواه) را وضع کند. اصل حاکمیت قانون، نهاد ناظر را در مقابل افعال و تصمیمات خود پاسخگو می‌کند. پاسخگویی از دو اصل شفافیت و مسئولیت‌پذیری برخوردار است و ماده ۱۴ قانون انتخابات مجلس خبرگان، فقهای شورای نگهبان را ملزم کرده است در صورت رد صلاحیت داوطلب، با درخواست وی دلایل و مستندات رد صلاحیت او را کتباً و منحصراً به خود او ابلاغ کنند.

۲. مروری بر نظامات تقنینی و رویه‌های نظارتی در تعیین شرایط داوطلبی و روش احراز صلاحیت نامزدی

شرایط انتخاب‌پذیری داوطلبان در قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری در دو مبحث جداگانه به‌عنوان شرایط ایجابی و سلبی قابل بررسی است که ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان تصریح می‌کند، خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایطی باشند از قبیل:

الف) عدالت و اشتها به دیانت، وثوق و شایستگی و سلامت اخلاقی و اقتصادی؛

ب) داشتن اجتهاد در حد استنباط بعضی مسائل فقهی و توانایی تشخیص ولی فقیه واجد شرایط رهبری؛

ج) داشتن بینش مناسب سیاسی، اجتماعی و آشنایی لازم با مسائل روز؛

۵۵. حامد نیکونهاد و زینب عساکره، «گستره و اقتضائات نظارت استصوابی بر انتخابات در نظرات شورای نگهبان؛ با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی»، دانش حقوق عمومی، ش ۲۶ (۱۳۹۸)، ص ۱۵.

۵۶. محمدجواد جاوید و محسن نامی، «جایگاه فرامین مقام رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حقوق اسلامی، ش ۲ (۱۳۹۰)، ص ۲۵.

د) تعهد به انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران، التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه؛

ه) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی به تشخیص مراجع قانونی و رسمی.

تشخیص دارا بودن شرایط داوطلبان خبرگان با فقهای شورای نگهبان است. بر این اساس، شورا تأکید دارد که وضعیت نامزد را با شرایط قانونی تطبیق داده، صلاحیت وی را احراز نماید. تعیین شرایط و رسیدگی به صلاحیت نامزدی طبق قانون است و کسی را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد.

۱.۲. تعیین شرایط اجباری

شرایط اجباری، نوعی محدودیت بر حق انتخاب‌پذیری افراد است و فرد فاقد شرایط را از نمایندگی مردم در مجلس خبرگان محروم می‌کند. فقدان شرایط اجباری از جمله شروط اعتقادی و اهلیت اخلاقی، در اکثر موارد داوطلب را انتخاب‌ناپذیر مطلق و دائمی می‌کند. تعیین شرایط فنی و قانونی که برای نمایندگی مردم در مجلس خبرگان لازم می‌آید نمی‌تواند برخلاف اصول قانون اساسی و معیارهای پذیرفته‌شده حقوق بشری باشد. تعیین هرگونه شرایط محدودکننده برای حقوق سیاسی نباید به تبعیض و نابرابری بین شهروندان منجر شود^{۵۷} و اصولاً افرادی که دارای شایستگی اجتماعی و توانمندی مدیریتی هستند نباید به دلیل دیدگاه‌های انتقادی یا خطای سبک و اشتباهات قابل اغماض از جرگه خدمتگزاری محروم شوند. بعضی از شرایط اجباری در قانون انتخابات با عبارات و واژه‌های کلی و تفسیربردار بیان شده است، مانند عدالت، اشتها به دیانت، مورد وثوق بودن و شایستگی اخلاقی که میزان ضرورت تحقق و حصول قطعیت در وجود یا فقدان آنها در داوطلبان انتخابات خبرگان تفسیربردار و ابهام‌آمیز است. از اینکه کار تطبیق و تشخیص صلاحیت با شرایط داوطلبی واقعی تر و عملی باشد، باید قانون‌گذار در حد معقول شاخص‌های دقیق شروط عدالت، تقوا و اعتقادات را به صورت روشن، شفاف و کمی معین کند؛ تعریفی از مصادیق فرایض دینی و عدم اصرار بر محرمت (تجاهر به فساد)، ملاک و معیارهای اعتقاد به مبانی نظام اسلامی، التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه را مشخص نماید تا

57. International Institute for Democracy and Electoral Assistance. International Electoral Standards: Guidelines for Reviewing the Legal Framework. The OSCE Publication (2001), IDEA, p. 33.



مقام ناظر در بررسی شرایط قانونی دچار برداشت‌ها و سلیقه‌های متفاوت نشود.^{۵۸}

۱.۱.۲. عدالت، اشتها به دیانت، وثوق، شایستگی و سلامت اخلاقی و اقتصادی

نظام سیاسی کشور ما تحت عنوان جمهوری اسلامی تعریف شده است تا حاکمیت اسلام در تمام شئون جامعه اجرا شود و مطابق اصل دوم قانون اساسی، کارگزاران نظام باید به این اصول اعتقاد داشته باشند. شخصی که خود را جزء خبرگان ملت می‌داند وجود شرایطی همچون عدالت، تدین، شایستگی، سلامت اخلاقی و اقتصادی و اعتقاد به مبانی نظام در او لازم است. عدالت^{۵۹} مهم‌ترین صفتی است که حاکم و کارگزار اسلامی باید از آن برخوردار باشد تا از ارتکاب فساد یا انحراف عمدی در مرحله اجرای قانون و تصمیمات مصون بماند.^{۶۰} مبنای نظام سیاسی همان اعتقادات مذهب شیعه است، مگر آنکه اهل سنت به مذهب خود ثابت‌العقیده باشد (اصل ۱۲ قانون اساسی). طبق بند ۸ ماده ۱۱ قانون انتخابات، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری باید مجتهد باشند و امکان ورود غیرمسلمان به آن مجلس منتفی است. منبع مشروعیت نظام سیاسی از احکام اسلامی نشئت گرفته است و برخلاف سایر نظام‌های غربی، رأی اکثریت مردم در آن شرط لازم و کافی برای مشروعیت حاکمیت نیست.^{۶۱}

نماینده‌گی حکومت در جمهوری اسلامی به‌طور مستقیم از سوی نمایندگان منتخب مردم اعمال می‌شود و داوطلبی خبرگان یک حق عمومی است که سلب آن از افراد نیازمند قانون است. هریک از ویژگی‌های شرایط داوطلبی ماهیت کیفی دارد و حصول قطعیت در وجود یا فقدان آنها و میزان لازم برای اعضای خبرگان رهبری ابهام‌آمیز است و تعریف جامع و کاملی برای افراد واجد شرایط به عمل نیامده است.^{۶۲} بنابراین، مسئله اصلی، ضرورت میزان تحقق عدالت، اشتها

۵۸. بیژن عباسی لاهیجی و همکاران، «تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ش ۱ (۱۴۰۲)، ص ۳۲.

۵۹. عدالت، حالت نفسانی است که انسان را بر ملازمت تقوا برمی‌انگیزد و از ارتکاب گناهان بزرگ و اصرار بر گناهان کوچک و بی‌مبالاتی باز می‌دارد. در فقه اسلامی، عدالت برای مناصبی مانند ولایت و رهبری، قضاوت و شهادت شرط شده است. نک: روح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، (قم: دارالعلم، چ ۳، ۱۳۶۷)، ص ۱۲-۱۳.

۶۰. توکل حبیب‌زاده و امیرحسین اصل‌زعیف، «تأملی در باب شرط رجل مذهبی سیاسی در خصوص رئیس‌جمهور»، دانش حقوق عمومی، ش ۸ (۱۳۹۳)، ص ۳۲.

۶۱. علی فلاح‌زاده و حسین عزیزی، «تأملی بر حق رأی در پرتوی حقوق اسلامی»، حکومت اسلامی، ش ۴ (۱۳۹۲)، ص ۱۳۴.

۶۲. مجید بزرگمهری، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه»، حقوق اساسی، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۵۲.

به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی و اعتقاد به مبانی نظام جمهوری اسلامی است که تا چه حد در شئون یک نماینده مسلمان (میزان تقید به فرایض و تجاهر به محرمات) ضرورت دارد و در رفتار آنان باید منعکس شود؟ اصولاً شرایط حق نمایندگی در هر نظامی برگرفته از مبانی حاکمیتی آن نظام سیاسی و منطبق با اهداف و آرمان‌های ملت در قانون اساسی است. این شرایط باید معقول، متعارف و مورد پذیرش عموم باشد تا رقابت آزاد انتخاباتی را فراهم نماید.^{۶۳} قانون‌گذار در این زمینه اختیار دارد شرایط اعتقادی و سلامت اخلاقی داوطلبان را با عنوان عمل به واجبات دینی، ترک محرمات، عدم اصرار بر فساد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی، پایبندی به قانون اساسی، عدم مخالفت با سیاست‌های کلی نظام و ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه به صورت کمی، شفاف و عینی‌تر تعریف و تعیین کند تا برداشت‌های شخصی و سیاسی از قانون موجب ارزیابی غیرواقعی شرایط و تضییع حقوق داوطلبان نشود.

۲.۱.۲. اجتهاد متجزی^{۶۴}

خبرگان منتخب مردم باید قدرت استنباط بعضی از مسائل فقهی را در حدی که بتوانند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهند، داشته باشند و اجتهاد کسانی که از سوی رهبر معظم انقلاب به صورت صریح یا ضمنی تأیید شده باشند از نظر علمی به تشخیص فقهای شورای نگهبان نیاز ندارد (تبصره یک ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان). تشخیص اجتهاد داوطلبی از راه‌های دیگر آن است که اکثر فقهای شورای نگهبان اجتهاد فرد را تأیید کنند یا در مورد کسانی که تردید دارند، از طریق آزمون کتبی و شفاهی و کمیته ارزیابی، اجتهاد آنان را مشخص سازند. قانون‌گذار در بند «الف» ماده ۱۲ قانون جدید، با قرار دادن مدرک حوزوی مانند سطح چهار، در راستای عینی‌تر کردن روش علمی شناخت اجتهاد داوطلبان کوشیده است. برگزاری آزمون علمی در مراکز رسمی (حوزه علمیه)، تشکیل کمیته ارزیابی شفاهی متشکل از استادان مبرز حوزه‌ها برای امتحان و تعیین صلاحیت علمی داوطلبان^{۶۵}، می‌تواند به شفاف‌سازی در تعیین اجتهاد افراد، رفع ابهام از انتخاب‌پذیری و کاهش رویه‌های مغایر با قانون و اصول حقوقی بینجامد.

۶۳. محمدحسن باقری و همکاران، «حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس جمهور با تأکید بر سیاستهای کلی انتخابات»، دانش حقوق عمومی، ش ۳۳ (۱۴۰۰)، ص ۶۷.

۶۴. مجتهد متجزی شخصی است که قادر به استنباط حکم شرعی در بعضی از ابواب فقه است.

۶۵. بند «ب» ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان.

۳.۱.۲. داشتن بینش مناسب سیاسی و اجتماعی و آشنایی لازم با مسائل روز

بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز از شروط انتخاب‌پذیری داوطلبان خبرگان است. گرچه فقیه بودن شرط خبره است، اما ملاک آن تنها فقاقت نیست، آگاهی و بینش لازم سیاسی و اجتماعی برای مدیریت سیاسی لازم است تا خبرهٔ مردم به تکلیف و مسائل روز جامعه آشنایی داشته باشند و مرز بین اهداف و آرمان‌های قانون اساسی و منافع ملی را با انحراف و دسیسه‌ها تشخیص دهد. وجود آگاهی سیاسی لازمهٔ مدیریت و پیشرفت نظام سیاسی است.^{۶۶} عدم آگاهی به مسائل جاری سبب خدشه در انتخاب شایسته‌گزینی است و آشنایی با مسائل سیاسی و اجتماعی غیر از اعتقاد به نظام سیاسی است و فقدان آگاهی اجتماعی و سیاسی، فرد را در موضع‌گیری دچار انتخاب اشتباه می‌کند. از آنجا که حاکمیت قائم به رأی مردم و نمایندگان آنان است، محتوا و شاخص‌های ارزیابی برای شناخت از مواضع افراد، سطح بینش و آگاهی آنان در راستای اهداف و آرمان‌های قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، دارای اهمیت خواهد بود. محدودیت‌ها استثنا بر اصل هستند. بر اساس اصول حقوقی، شروط نامزدی باید قابل ارزیابی عملی باشد و زمانی احراز صلاحیت فرد ممکن است که ملاک وجودی آن، روشن، مصداقی و عینی باشد. اگر ملاک و معیارهای انتخاب‌پذیری دقیق و واقعی نباشد، امکان احراز آن دشوار خواهد بود. مطابق بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، مجلس خبرگان می‌تواند شاخص‌های لازم شرایط نامزدی، بررسی دقیق شرایط قانونی (احراز صلاحیت) و پاسخگویی مسئولانه و عمومی نهاد ناظر را تعیین کند تا حقوق داوطلبان از اعمال نفوذ و جهت‌گیری سیاسی در امان بماند.

۴.۱.۲. تعهد به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و التزام به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه

از جمله ملاک‌های شایستگی در داوطلبان خبرگان، داشتن اعتقاد به مبانی نظام، اصل ولایت مطلقه فقیه و التزام به قانون اساسی است که مهم‌ترین شاخصهٔ آن بر اساس اصول قانون اساسی، معتقد بودن به مبانی نظام (جمهوریت و اسلامیت) است. پذیرش اعتقاد به مبانی نظام با اعلام لفظی محقق می‌شود و مادامی که اقدامی بر علیه این پذیرش صورت نگرفته باشد، یعنی

۶۶. روح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۲۷، ۱۳۹۲)، ص ۲۷.

اعتقاد به مبانی نظام در کارگزاران نظام وجود دارد و در واقع رفتار افراد ملاک عمل قرار می‌گیرد.^{۶۷} برخی از مصادیق مبانی نظام در اصل دوم قانون اساسی بیان شده است و معمولاً وضعیت داوطلب در اعتقاد به مبانی نظام، از اوضاع و احوال، شرایط و مشی اجرایی و عملی وی روشن می‌شود که نامزد در مسیر تحقق اهداف و اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام قرار دارد یا خیر.

۲.۲. مقررات سلبی برای حق انتخاب‌پذیری در انتخابات مجلس خبرگان رهبری

قانون‌گذار از آغاز انقلاب اسلامی تلاش کرده است تا مخالفان نظام جمهوری اسلامی را از انتخاب‌پذیری در مناصب حکومتی محروم کند؛ از جمله کسانی که در جهت تحکیم ساختار رژیم پهلوی نقش مؤثری داشتند و افرادی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی و طرفداری از گروه‌های مخالف نظام محکوم شده باشند از حق انتخاب‌شدن محروم اند.^{۶۸} مقررات سلبی نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی بوده، به مثابه مجازات تبعی یا تکمیلی است.^{۶۹} برخی از این محرومیت‌ها با عنوان محرومیت‌های نسبی برای مدت معین به وجود می‌آیند و با رفع موانع از بین می‌روند، ولی در صورت فقدان هریک از شرایط یادشده، برای فرد، ایجاد محرومیت مطلق خواهد کرد؛ مانند اینکه فرد دارای سوء سابقه سیاسی و کیفری باشد. بر اساس مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کسانی که به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم می‌شدند، پس از گذشت مواعد مقرر در قانون، اعاده حیثیت می‌کردند و آثار تبعی محرومیت آنان زایل می‌شد، اما بند «الف» تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون یادشده، فرد را از حق انتخاب شدن در انتخابات مجلس خبرگان به طور دائمی محروم می‌کند. این گونه شرایط نباید بدون دلیل معتبر پذیرفته شود تا دستاویزی برای تشدید و تأثیر بر قضاوت و اعمال سلیقه فردی یا گروهی در رد صلاحیت‌ها باشد؛ چراکه رفتار خلاف قانون در انتخابات آزاد به اعتبار و سلامت آن در نزد افکار عمومی خدشه وارد می‌کند و اساساً انتخابات آزاد و منصفانه بر آزادی رأی‌دهندگان و انتخاب

۶۷. اظهارات سخنگوی شورای نگهبان در دیدار با استادان دانشگاه امیرکبیر مبنی بر معتقد بودن کارگزاران نظام به قانون اساسی و پذیرش اصول و مبانی نظام، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۰۴/۲۵ به آدرس: www.shora-gc.ir/fa/news/1401

۶۸. تحقیق مناط از ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۲۹ قانون انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا.

۶۹. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۷۲)، ص ۲۱۴.

شوندگان استوار است.^{۷۰}

۱.۲.۲. نداشتن سوء سابقه سیاسی و اجتماعی

در انتخابات، اشخاصی که به گروه و سازمان سیاسی و اجتماعی غیرقانونی وابسته یا از آن‌ها طرفداری کرده باشند، از انتخاب شدن محروم‌اند و غیرقانونی بودن گروه و احزاب متبوعه از طریق مراجع ذیصلاح طبق ترتیبات قانونی اعلام می‌شود. بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی، احزاب و گروه‌ها آزاد هستند و ادامه فعالیت آنها مشروط بر این است که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. افراد و احزاب سیاسی در رقابت‌های انتخاباتی برای انتخاب شدن آزاد هستند؛^{۷۱} چنانچه مرتکب تخلف و جرایمی هم شده باشند تا محکومیت قطعی از محرومیت‌های حقوق اجتماعی که موجب انتخاب‌ناپذیری نشوند، از حق انتخاب شدن برخوردار خواهند بود و می‌توانند در انتخابات به‌عنوان انتخاب‌شونده حضور یافته، خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهند. هیچ‌کس را به علت ویژگی شخصیتی، فعالیت سیاسی یا مخالفت و انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نمی‌توان از انتخاب شدن محروم کرد.

۲.۲.۲. سابقه محکومیت کیفری در جرایم عمدی

قانون‌گذار در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در برخی از جرایم عمدی که محکومیت قطعی کیفری ناشی از جرم باشد، محرومیت از حقوق اجتماعی را دایر کرده است؛ از جمله این محرومیت‌ها، داوطلب شدن در انتخابات مجلس خبرگان است. این شرط از جمله شرایط سلبی و کمی است و به علت داشتن محکومیت کیفری قابلیت ارزیابی عینی هم دارد.

۳.۲. سایر شرایط انتخاب‌پذیری

در قانون قبلی انتخابات خبرگان به شرایطی از قبیل تابعیت، سن، مدرک تحصیلی، سلامت جسمانی، کناره‌گیری از مقام و شغل و سکونت در محل حوزه انتخابیه که از محدودیت‌های انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی هستند، اشاره‌ای نشده بود. اما در بندهایی از ماده ۱۱ قانون

70. Masclet Jean Claude, *Le Droit Des Elections Politiques*, (Paris: puff, 1992), p 67.

۷۱. صادق زیباکلام و مرتضی مقتدایی، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، *علوم سیاسی*، ش ۲۹ (۱۳۹۳)، ص ۱۷.

تازه تصویب، موضوع تابعیت، سن، مدرک تحصیلی و سلامت جسمی مورد توجه قرار گرفته است و در خصوص تابعیت داوطلبان انتخاباتی، تابعیت اصلی ملاک خواهد بود. با توجه به توسعه روزافزون جهانی، کم‌رنگ شدن مرزهای فیزیکی و وجود اشتراکات فرهنگی و اقتصادی ملت‌ها، محروم کردن نخبگان سیاسی که دارای تابعیت اکتسابی و شایستگی خاص هستند، منطقی به نظر نمی‌رسد و قانون‌گذار می‌تواند تحت شرایطی از این امتیاز کشور را منتفع نماید.^{۷۲} به منظور پرهیز از فشار قدرت بر نمایندگان مردم و جلوگیری از نفوذ دولتمردان بر انتخابات آزاد، مقنن در اکثر انتخابات برخی از مقامات اداری و قضایی را بعد از استعفا از پست خویش و در صورت واجد شرایط بودن، مجاز به شرکت در انتخابات می‌کند که این امر در قانون انتخابات خبرگان مطرح نیست.

پایداری قانون مستلزم پابندی نمایندگان مردم به اصول و مبانی قانون اساسی است که در رفتار آنان منعکس گردد و اگر کسی به قانون اساسی و مبانی نظام اعتقادی نداشته باشد اساساً نباید پست و جایگاه سیاسی را در نظام اشغال نماید. بنابراین، رعایت اصول و قواعد قانون اساسی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های آن در همه سطوح نظام سیاسی ضرورت دارد. برخی از شرایط انتخاب‌پذیری مصرح در ماده ۱۱ قانون انتخابات خبرگان، کیفی و غیرقابل ارزیابی واقعی هستند؛ بازتعریف و بیان حقیقی ملاک و معیارهای انتخاب‌پذیری و تعیین شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی می‌تواند ارزیابی و احراز صلاحیت داوطلبان را عملیاتی‌تر نماید. برخورداری از حقوق یکسان و برابر در نظام مردم‌سالاری برای همه شهروندان، احترام نهادن بر شأن و جایگاه انسانی، حفظ کرامت و نقش حیاتی مردم در نظم اجتماعی است تا به انتخاب حاکمان و مشارکت در اداره امور سیاسی کشور بپردازند.^{۷۳} نامعقول و غیرمعارف بودن شرایط داوطلبی می‌تواند خارج از تحدید اصول قانون اساسی و به‌ویژه بند ۱-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات باشد که نوعی محدودیت ناروا و ناموجه بر حقوق افراد و مهم‌ترین چالش مشارکت عامه مردم در انتخابات است.

۷۲. محمدرضا ضیائی بیگدلی، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، (تهران: گنج دانش، چ ۹، ۱۳۸۹)، ص ۶۴.

73. Benkert, Gorge G, *Political Freedom*, (London and New York: Routledge Press, 1991), p. 3.

۳. مبانی محرومیت از حق نمایندگی و احراز صلاحیت نامزدی

قانون اساسی بر نحو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی در قدرت سیاسی تأکید کرده است، بند ۸ اصل ۳ و اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی، اعمال حاکمیت را بدون مشارکت و انتخاب مردم مشروع نمی‌داند و مشارکت عامه مردم در حکومت، جلوه‌ای از حق حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش و اعمال حاکمیت سیاسی است تا اداره امور کشور به دست آنان باشد. واگذاری حق قدرت مردم به نمایندگان منتخب خود در مجلس خبرگان از طریق آرای عمومی میسر است و مشارکت واقعی آنان در حاکمیت، تنها از طریق اعمال حق رأی فردی آنان محقق می‌شود. همچنین تعیین شرایط انتخاب‌شوندگان در راستای ورود افراد شایسته و توانمند و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت قانونی به سمت نمایندگی مردم است و محدودیت‌های حق نمایندگی در اجرای اصل حاکمیت قانون، منحصر به ترتیبات احکام قانون اساسی است.

اصل صحت یا اصالت‌الصحه یک قاعده فقهی - حقوقی است، با این مفهوم که اصل بر صحت و درستی عمل است؛ مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.^{۷۴} احراز صلاحیت و عدم صلاحیت فرد مطابق با اصل یادشده، متناسب با قواعد حاکم بر نظامات حقوقی و به نفع حقوق داوطلبی و انتخابات آزاد و رقابتی است. آنچه در احراز صلاحیت مسلم است، رعایت قانون و حقوق داوطلبی است و طبیعی است که برای گرفتن مسئولیت مهم و خطیر مقام نمایندگی خبرگان باید افراد شایسته با احراز صلاحیت قانونی به مجلس خبرگان راه یابند تا این مجلس متشکل از نمایندگان مسلمان کارآمد و متخصص باشد.

احراز صلاحیت نامزدی با دریافت اسناد و مدارک معتبری است که از سوی مراجع قانونی به صورت مستند و مدلل ارائه می‌گردد و در صورت نیافتن دلیل معتبری برخلاف شرایط ایجابی، نتیجه احراز صلاحیت‌ها در عمل با دو روش متفاوت مواجه می‌شود؛ یکی احراز تأیید صلاحیت و دیگری عدم احراز صلاحیت. در صورت اول، فرد به علت نبود دلیل و نداشتن سوء سابقه، با

۷۴. مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، (تهران: مرکز علوم اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۲۰۷.

تشخیص نهاد ناظر، دارای صلاحیت تلقی می‌شود.^{۷۵} اما در روش دوم، به علت عدم احراز شرایط ایجابی از سوی ناظران (تحقیق و تفحص)، فرد فاقد صلاحیت می‌شود و از رقابت انتخاباتی باز می‌ماند. به طور کلی، قانون انتخابات برای استعمال سابقه از فقدان شرایط عدالت، اعتقاد به مبانی نظام، التزام به قانون اساسی و وفاداری به ولایت فقیه مرجع مشخصی را تعیین نکرده است. در واقع، فقهای شورای نگهبان با شناخت و معرفتی که نسبت به دلایل مکتسبه از هر طریق ممکن حاصل کردند، مرجع تطبیق شرایط قانونی با وضعیت نامزدی از قبیل اشتها به دیانت، شایستگی اخلاقی، اعتقاد به نظام و عدالت شمرده می‌شوند.^{۷۶} به همین سبب، برخی از منتقدان لزوماً مستندات را تنها محکومیت قضایی اعلام کردند و خارج از آن را غیرقابل عمل می‌دانند و معتقدند که اعتقاد داوطلب می‌تواند با اظهار او احراز شود و مادامی که بر علیه آن تعهد اقدامی نکرده باشد معتبر است و عدم التزام عملی داوطلب به اسلام با حکم قطعی دادگاه صالح مبنی بر فساد مالی یا اخلاقی وی به اثبات می‌رسد.^{۷۷} این برداشت صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا آنچه اهمیت دارد وجود دلیل متقن مبنی بر داشتن شرایط ایجابی و فقدان شرایطی سلبی داوطلبان است که در نزد مرجع رسمی صلاحیت دار طبق ترتیبات قانونی به اثبات رسیده باشد؛ در غیر این صورت، مورد مستند قانونی محرومیت افراد قرار می‌گیرد.^{۷۸}

مدارک و مستندات احراز صلاحیت داوطلبان خبرگان در شورای نگهبان محدود به مراجع استعمال نبوده، از روش‌های دیگری مانند تحقیق و رسیدن به حجت شرعی هم ممکن است.^{۷۹} یا زمانی که شورا از وجود شرایط در نامزد علم و اطلاع داشته باشد به همان علم خود به عنوان قطعی‌ترین حجت عقلی و شرعی اکتفا می‌کند. وجاهت قانونی تحقیقات که مستند رسیدگی به صلاحیت نامزدها قرار می‌گیرد مورد بحث واقع شده است و در مواقعی موجب تضییع حقوق افراد و یا شاهد تأیید و رد صلاحیت‌های پی‌درپی در جریان انتخابات و یا در مراحل بعدی آن می‌شود. شرایط داوطلبی به ایجابی و سلبی تقسیم شده است. در مورد شرایط سلبی معمولاً داوطلب بی

۷۵. ماده واحده موضوع تبصره یک ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۱۳۷۰، شورای نگهبان.

۷۶. محمد مؤمن، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان»، گفت‌وگو، حکومت اسلامی، ش ۸ (۱۳۷۷)، ص ۱۴۳.

۷۷. تبصره ماده ۴ طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی به تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۹/۱/۲۷.

۷۸. محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، (تهران: میزان، ج ۵، ۱۳۸۹)، ص ۲۶۴.

۷۹. حامد نیکونهاد و زینب عساکره، پیشین، ص ۹.

نیاز از ارائه سند و مدرک است، ولی در عمل روش عدم احراز صلاحیت سبب می شود تا داوطلب وضعیت و رفتار خود را نسبت به شرایط ایجابی یعنی ادعای خود ثابت نماید و چنانچه شورا آن را احراز نکند، فرد انتخاب‌ناپذیر مطلق محسوب می‌شود.

اصل تساوی و برابری همگان در برابر قانون، از اعطای امتیازات واهی و غیرقانونی به طبقه یا قشر خاصی نهی می‌کند؛ چراکه همه افراد جامعه در شمول و اجرای قانون نسبت به هم برابرند و ملاک بنیادین در اصل برابری، یکسان بودن شرایط همه افراد ملت در برابر قانون است. در اصل برابری، انسان‌ها دارای حقوق و تکالیف یکسانی هستند تا عدالت اجتماعی در جامعه تحقق یابد.^{۸۰} واگذاری قدرت تصمیم‌گیری به نهاد عالی بدون وجود شیوه و ابزار مؤثر حل و فصل دعوی انتخاباتی بی‌معنی است. اصل دادرسی و قضاوت عادلانه ایجاب می‌کند نهاد ناظر برای رسیدگی به شرایط قانونی و اعتراضات داوطلبان انتخاباتی، آیین رسیدگی تخصصی داشته باشد. به منظور کیفیت رسیدگی دادرسان انتخاباتی و افزایش اعتماد عمومی لازم است با استناد به ماده ۱۴ قانون انتخابات خبرگان، تصمیمات و آرای ناظران متقن (مستند و مدلل) باشد و اتهامات اثباتی در خارج از دادگاه‌ها و بدون دفاع متناسب افراد از حق خویش، مستند رد صلاحیت آنان قرار نگیرد.

انتخاب مقام رهبری (رئیس کشور) وجه متمیزه نظام مردم‌سالاری دینی است. طبق اصول ۸ و ۱۰۸ قانون اساسی، مردم به‌طور مستقیم از طریق امر به معروف، احزاب و رسانه‌های جمعی و یا به‌طور غیرمستقیم از طریق نمایندگان منتخب خود در مجلس خبرگان ناظر بر اعمال رهبری هستند. ضمانت‌های لازم برای رعایت نظام نمایندگی و حقوق داوطلبان انتخاباتی در نظام حقوقی پیش‌بینی شده است و نقش افکار عمومی در صیانت از قانون و جلوگیری از نقض حقوق سیاسی شهروندان اهمیت بسزایی دارد. مردم می‌توانند با تأثیرگذاری بر حاکمان و نمایندگان خود نسبت به مغایرت‌های قانونی و عملکرد کارگزاران واکنش نشان دهند تا سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری و عملکردها در حیطة قانون اساسی معمول گردد و رضایت‌مندی شهروندان فراهم آید.^{۸۱}

۸۰. محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۸، ۱۳۸۷)، ص ۲۸۴.

۸۱. علی‌اکبر ترمز، «جایگاه و نقش سند چشم‌انداز در قانون اساسی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش مدیریت راهبردی در تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ج ۴، (۱۳۹۱)، ص ۴۴.

نتیجه

حق رأی فردی، یعنی حق انتخاب کردن به طور روشن و حق انتخاب شدن به صورت ضمنی، در اصول متعدد قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. حق تعیین سرنوشت در امور سیاسی و اجتماعی در راستای مشارکت عامه مردم و در اعمال حاکمیت سیاسی است، و حق انتخاب شدن حق قانونی همه افراد ملت محسوب می شود. هر شهروندی در چارچوب قانون اساسی می تواند خود را نامزد انتخابات مجلس خبرگان رهبری نماید و دیگران هم می توانند به او رأی دهند. در اجرای حاکمیت قانون، مجلس خبرگان اختیار دارد با رعایت حقوق اشخاص، شرایط داوطلبی را از حیث راهیابی افراد شایسته و توانمند و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به مجلس خبرگان تعیین کند. این نوع شرایط فنی و قانونی نمی تواند برخلاف اصول قانون اساسی، سیاست های کلی انتخابات و معیارهای پذیرفته شده حقوق بشری دولت جمهوری اسلامی باشد. حق نمایندگی مردم از حقوق عمومی و ذاتی است و حقوق هیچ شهروندی برای شرکت در اداره امور کشور به علت وضع قواعد نامتعارف و نظارت ناروا محدود نمی شود. قانون گذار می تواند برای نیل به اهداف و آرمان های ملت در قانون اساسی و ارتقای شایسته گزینی نامزدها در تراز جمهوری اسلامی، برخی شاخص های لازم شرایط داوطلبی، اصول و قواعد احراز عملی (واقعی) صلاحیت نامزدی (تأیید و رد صلاحیت ها) و رسیدگی به اعتراضات داوطلبان را با تفوق حقوق ملت در قانون اساسی و راهکار سیاست های کلی انتخابات به صورت عینی و کمی تعریف و تعیین نماید.

حق نمایندگی مردم از اصول بنیادین و حقوق اساسی ملت است که قانون اساسی آن را تحت عنوان حق تعیین سرنوشت پذیرفته است؛ یعنی اصل بر انتخاب شدن است، مگر آنچه قانون منع کرده باشد. تحدید حقوق داوطلبان در قانون اساسی می تواند شامل پابندی به قانون اساسی، اعتقاد به مبانی نظام (جمهوریت و اسلامیت)، ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه و اهلیت اخلاقی باشد و موارد محرومیت از حق نمایندگی منحصر به احکام قانون اساسی است. حق انتخاب شدن از شاخصه های انتخابات آزاد و رقابتی در نظام نمایندگی است که نباید خدشه دار گردد. لازمه سلب حق انتخاب شدن افراد در انتخابات، احراز عدم صلاحیت آنان است که بر اساس مستندات قانونی و دلایل معتبری به اثبات می رسد.



اتصاف به شرایط شایستگی اخلاقی، دیانت و اعتقاد به مبانی نظام در داوطلبان خبرگان رهبری که از اصول و ارزشی‌های حاکمیت مردم‌سالاری دینی است، نمی‌تواند چالش حقوقی در انتخابات به شمار آید. آنچه در روند حق نمایندگی مردم در انتخابات مجلس خبرگان محدودیت ناروا و ناموجه (خارج از قانون اساسی) محسوب می‌شود عبارت‌اند از:

الف) نبود تعریفی مشخص از معیارهای حقیقی و شاخص‌های دقیق شرایط اعتقادی و اهلیت اخلاقی انتخاب‌شوندگان، از قبیل ضرورت تحقق و میزان ارزش حقیقی افعال و رفتار افراد با شرایط کیفی مصرح در قانون انتخابات.

ب) فقدان آیین رسیدگی تخصصی که موجب ابهام در ارزیابی و احراز عملی صلاحیت داوطلبان با شرایط کلی و دادرسی حقوقی بر اعتراضات داوطلبان می‌شود؛ از قبیل عدم ارائه دلایل اتهامات انتسابی، وجود برخی تفاوت‌ها در روش‌های ارزیابی و عدم دسترسی کلیه داوطلبان به فقهای شورای نگهبان جهت دفاع از اتهامات وارده.

بازتعریف و بیان حقیقی معیارها، تعیین دقیق شرایط داوطلبی و تدوین آیین رسیدگی تخصصی بر اساس اصول رسیدگی حقوقی و قضاوت عادلانه و اتقان آرا و تصمیمات ناظران به منظور کیفیت بررسی‌ها و افزایش اعتماد عمومی در حیطه قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات لازم است تا به رفع ابهام از حق انتخاب شدن شهروندان، توسعه حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن بینجامد. به نظر می‌رسد، پاره‌ای از مسائل و محدودیت‌های حق نمایندگی، ناشی از عدم التزام و اجرای ناقص قانون اساسی است.

شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی که صلاحیت تشخیص و احراز شرایط قانونی داوطلبان و صیانت از آرای مردم را برعهده دارد، در ایفای این وظیفه خطیر، نیازمند برخورداری از آیین رسیدگی تخصصی و سازوکار قانونی است تا ارزیابی و احراز عملی شرایط قانونی و رسیدگی به اعتراض داوطلبان را شفاف، دقیق، بی‌طرفانه و حرفه‌ای انجام دهد. افرادی که به هر دلیلی رد صلاحیت می‌شوند، در صورت اعتراض به رد صلاحیت خود در یک مرجع دادرسی (دومرحله‌ای و قضاوت دوباره)، به موضوع آنان رسیدگی و در صورت لزوم از افراد اعاده حیثیت خواهد شد تا حقوق اساسی افراد مورد ابهام یا برداشت سلیقه‌ای قرار نگیرد. محمل قانونی

تحقیقات محلی برای تحصیل دلیل از منابع مردمی (به‌عنوان یک روش پیشگیرانه) جای بسی اشکال است که محل و مرجع مطمئن و متیقن برای ارزیابی شرایط انتخاب‌پذیری نامزدها نیست. در هر صورت، برخورداری از چنین اختیاراتی نیازمند قانون است.

رهیافت و راهکار برون‌رفت از وضعیت موجود، نیازمند بازتعریف و بیان حقیقی معیارهای انتخاب‌پذیری و مبانی محدودیت‌های قانونی آن از قبیل میزان ارزش حقیقی افعال و رفتار داوطلبان نسبت به تقید به احکام اسلامی، عمل به فرایض دینی، عدم تجاهر به محرمانت، چگونگی اعتقاد و ابراز وفاداری به نظام و ولایت فقیه و روش احراز عملی صلاحیت نامزدی که در شئونات نمایندگی مردم، متناسب و مقتضی با کلیت جامعه امروزی لازم می‌آید، به‌وضوح از سوی حاکمیت تبیین گردد تا مانع از برداشت شخصی و سیاسی شده، دستاویزی برای تضعیف حقوق داوطلبی و حذف رقبای سیاسی نگردد. برای رفع ابهام و گسترش دامنه انتخاب‌پذیران به مناصب انتخابی موارد زیر لازم به‌نظر می‌رسد.

پیشنهادها

۱- تعیین شاخص‌های دقیق و لازم شرایط داوطلبی، به‌ویژه اعتقاد به مبانی نظام، ابراز وفاداری به ولایت مطلقه فقیه و اهلیت اخلاقی (کمی، عینی و قابل ارزیابی) مانند قرار دادن شرایط عدم التزام، اعتقاد و ابراز وفاداری می‌تواند رویکرد اخلاقی، دینی و عقلایی نظام انتخاباتی را شفاف و عینی نماید. مشخص کردن دقیق موارد محرومیت از حق انتخاب شدن و بررسی وجدانی و علمی شرایط قانونی می‌تواند نتیجه احراز ارزیابی‌ها را واقعی و عملی‌تر کند. شرایط سخت‌گیرانه و کلی، بازتولید نظام سیاسی را دچار کاستی و چندگانگی سیاسی کرده، حقوق داوطلبان را تضعیف می‌سازد.

۲- نیاز است بررسی احراز صلاحیت نامزدی به‌صورت دومارحله‌ای در هیئت بدوی متشکل از افراد متخصص و بی‌طرف با آیین رسیدگی تخصصی (روش رسیدگی حقوقی و قضاوت عادلانه) برای ارزیابی عملیاتی شرایط نامزدی انجام گیرد. رسیدگی به اعتراض داوطلبان انتخاباتی با حضور شاکی یا وکیل وی صورت پذیرفته، در صورت لزوم از افراد اعاده حیثیت به عمل آید. به‌منظور افزایش اعتماد عمومی، کارسازی مؤثر بر ارزیابی اتقان قانونی آرا و تصمیمات هیئت‌ها معمول شود. باتوجه به منع قانون اساسی، مقنن می‌تواند در خصوص موارد نقض حقوق داوطلبان

انتخاباتی، از قبیل رسیدگی به اعتراض رد صلاحیت‌شدگان داوطلبان انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و اعضای خبرگان رهبری، مراتب را به دادگاهی مانند دادگاه قانون اساسی احاله نماید.

۳- ورود افراد شایسته، متخصص و با عملکرد شفاف به انتخابات مجلس خبرگان، نیازمند کارآمدی و نهادینه شدن احزاب سیاسی است تا زمینه نظارت عمومی، کاهش تعدد کاندیداهای فاقد شرایط قانونی و قدرت تشخیص مردم برای انتخاب افراد صالح را مهیا سازد و انتخابات از فردمحوری به حزبی و برنامه‌محور تبدیل شود.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

کتابها

۱. جعفری ندوشن، علی اکبر (۱۳۸۵). *بررسی تطبیقی کار ویژه شورای نگهبان*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. خسروی، حسن (۱۴۰۰). *حقوق انتخابات دموکراتیک*. تهران: مجد.
۳. دارابی، علی (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران*. تهران: سروش.
۴. صانعی، پرویز (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*. ج ۲، تهران: گنج دانش.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹). *اسلام و حقوق بین الملل*. تهران: گنج دانش.
۶. عباسی، بیژن (۱۳۹۰). *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*. تهران: دادگستر.
۷. قاضی شریعت پناه، ابوالفضل (۱۳۹۵). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: میزان.
۸. گودوین گیل، گای اس (۱۳۷۹). *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین المللی*. ترجمه قاسم زمانی و جمال سیفی. تهران: دانش.
۹. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۵). *قواعد فقه بخش مدنی*. تهران: مرکز علوم اسلامی.
۱۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۴). *انتخابات در اندیشه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۷). *ترجمه تحریر الوسیله*. ج ۱، قم: دارالعلم.
۱۳. هاشمی، محمد (۱۳۸۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۱، تهران: میزان.
۱۴. هاشمی، محمد (۱۳۸۹). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۲، تهران: میزان.

مقالات

۱۵. املی لاریجانی، صادق (۱۳۸۲). شورای نگهبان از منظر فلسفه سیاسی. *بازتاب اندیشه*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، (۴۴)، ۸۵-۸۶.
۱۶. باقری خوزانی، محمدحسن؛ عطریان، فرامرز و مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰). حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. *دانش حقوق عمومی*، ۱۰ (۳۳)، ۵۷-۸۲. Doi: 10.22034/Qjplk.2021.229
۱۷. پروین، خیرالله و نورایی، مهدی (۱۳۹۵). تحلیل نظریه حق الناس در خصوص حق رأی و بررسی صلاحیت‌ها. *حکومت اسلامی*، ۲۱ (۴)، ۱۱۱-۱۳۲.
۱۸. ترمان، علی‌اکبر (۱۳۹۱). جایگاه و نقش سند چشم‌انداز در قانون اساسی. *مجموعه مقالات همایش ملی نقش مدیریت راهبردی در تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله*، ج ۴، ۲۳-۴۷.
۱۹. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۵). شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی. *حقوق اساسی*، ۴ (۷۶)، ۵۷-۸۰.
۲۰. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۸). انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۳ (۴)، ۷۰-۹۷.
۲۱. جاوید، محمدجواد و نامی، محسن (۱۳۹۰). جایگاه فرامین مقام رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. *حقوق اسلامی*، ۱۲ (۲)، ۵-۲۸. Doi: 10.30497/LAW.2012.1019
۲۲. جنتی، احمد (۱۳۷۷). شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان، گفت و گو. *حکومت اسلامی*، ۳ (۸)، ۱۳۸-۱۵۲.
۲۳. حبیب‌زاده، توکل و اصل‌زعیم، امیرحسین (۱۳۹۳). تأملی در باب شرط رجل مذهبی سیاسی در خصوص رئیس‌جمهور. *دانش حقوق عمومی*، ۳ (۸)، ۲۳-۴۳.
۲۴. خسروی، حسن و حسینی صدرآبادی، ایرج (۱۳۹۶). نظارت کارآمد بر انتخابات. حقوق اداری، ۵ (۱۳)، ۸۳-۱۰۹.
۲۵. دبیرنیا، علیرضا و دست‌پیمان، صائب (۱۴۰۰). شناسایی حق تعیین سرنوشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتوی نظریه قدرت مؤسس. *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۲ (۷۰)، ۹۶-۱۲۷. Doi: 10.22054/qjpl.2020.44912.2197

۲۶. رضائی‌زاده، محمدجواد و داوری، محسن (۱۳۹۵). مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی. *دانش حقوق عمومی*، ۵ (۱۴)، ۱۱۷-۱۴۲.
۲۷. زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات. *علوم سیاسی*، ۱۰ (۲۹)، ۷-۲۸.
۲۸. سایانی، علیرضا و جهانی میجانی، وحید (۱۳۹۵). بررسی جایگاه مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی. *پژوهش ملل*، ۲ (۱۵)، ۶۵-۷۶.
۲۹. طحان‌نظیف، هادی و قلیچ‌پور، سجاد (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات. *دانش حقوق عمومی*، ۱۰ (۳۱)، ۱۹-۴۲
Doi: 10.22034/QJPLK.2021.215
۳۰. عالی‌پور، حسین (۱۳۹۴). نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی*، ۱۸ (۶۹)، ۶۳-۸۸
Doi: 20.1001.1.17350727.1394.18.69.3.9
۳۱. عباسی لاهیجی، بیژن؛ باقری خوزانی، محمدحسن و فراهانی، محمدصادق (۱۴۰۲). تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. *پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، ۲۴ (۱)، ۲۹-۵۲
Doi:10.30497/law.2023.243778.3324
۳۲. عنابی، علیرضا و خلیلی شجاعی، فریور (۱۳۹۰). محدودیت‌های انتخاباتی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان. *کانون وکلای دادگستری*، ۷ (۲۱ و ۲۲)، ۶۴-۷۶.
۳۳. فلاح‌زاده، علی و عزیزی، حسین (۱۳۹۲). تأملی بر حق رأی در پرتوی حقوق اسلامی. *حکومت اسلامی*، ۱۸ (۴)، ۱۲۱-۱۴۴.
۳۴. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۲). حق تعیین سرنوشت و مسأله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی. *مدرس، علوم انسانی*، ۱۷ (۴)، ۱۲۳-۱۴۰.
۳۵. گل‌محمدی، احمد و عبادپور، نصیر (۱۴۰۰). صلاحیت و انتخابات؛ دشواری‌های نهادینه شدن «کسب قدرت سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران. *دولت‌پژوهی*، ۷ (۲۶)، ۹۱-۱۱۸
Doi: 10.22054/tssq.2021.42057.698
۳۶. مرتضایی، سید احمد (۱۳۸۹). پاسخ به شبهات (نظارت استصوابی) با رویکرد فقهی. *حکومت اسلامی*، ۱۵ (۱)، ۱۳۵-۱۶۰.

۳۷. مؤمن، محمد (۱۳۷۷). شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان، گفت‌وگو. *حکومت اسلامی*، ۳ (۸)، ۱۳۸-۱۵۲.

۳۸. نیکونهاد، حامد و عساکره، زینب (۱۳۹۸). گستره و اقتضات نظارت استصوابی بر انتخابات در نظرات شورای نگهبان؛ با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی. *دانش حقوق عمومی*، ۸ (۲۶)، ۱-۲۴.
Doi: 10.22034/QJPLK.2020.182

۳۹. ولایی، علی و نوبهار، رحیم (۱۴۰۲). جایگاه اصل صحت در ارزیابی صلاحیت داوطلبان انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴ (۳۰)، ۲۷۵-۳۰۵.
Doi: 10.22034/law.2022.49902.3067

۴۰. هاشمی، محمد و عدالت‌جو، اعظم (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان. *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۴ (۱۱)، ۱۹۹-۲۴۳.

۴۱. یآوری، اسداله (۱۳۹۶). بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر. *تحقیقات حقوقی*، ۲۰ (۸۰)، ۲۱۳-۲۳۷.
Doi: 10.22034/jlr.2018.111274.1050

ب) منابع انگلیسی

42. Brenkert, Gorge. G. (1991). *Political Freedom*. London and New York, Routledge Press.
43. International Institute for Democracy and Electoral Assistance International Electoral Standards Guidelines for Reviewing the Legal Framework, The OSCE Publication, 2001, IDEA. www.idea.int/publications/pub_electoral_main.html.
44. Masclat, Jean Claude (1992). *Le Droit Des Elections Politiques*, Paris, puff.